



۱۰

منتظر مستند پرتره مرتضی سرهنگی در شبکه نمایش خانگی باشید

## متولد آذر در دسترس

## بازگشت هالیوود به خانواده در ایام تعطیلات

۱۲



## ناکام جشنواره روی پرده سینما

# فرهنگ

شنبه :: ۸ دی ۱۳۹۷ :: شماره ۵۲۸۵

امروز چی داریم؟

دیدگاه هفته

### زنان داستان نویس

#### نسل سوم

عارضیم به حضور شما که جمال میرصادقی و کاوه فولادی نسب دور یک میز در خبرگزاری کتاب ایران جمع شده بودند تا راجع به «زنان داستان نویس نسل سوم» صحبت کنند.

میرصادقی در بخش هایی از این نشست که دل هرن زن نویسنده ای را خنک می کند گفته: «در این انقلاب زنان هم درگیر بودند و انقلاب، تنها مختص مردان نبود. پیش از انقلاب شرکت دادن زنان در کارهای مهم بیشتر جنبه تبلیغاتی و ظاهری داشت اما انقلاب به زنان شخصیت داد. به همین دلیل هم هست که قبل از انقلاب زن نویسنده نام آور کم داریم و به نظرم این مساله باعث افتخار است که پس از انقلاب فورانی در تعداد نویسندگان زن صورت گرفت.

ما قبل از انقلاب تنها تعداد معدودی نویسنده زن مطرح مانند سیمین دانشور، مهشید امیرشاهی، گلی ترقی، میهن بهرامی و غزاله علیزاده داشتیم و این تعداد بعد از انقلاب بسیار زیاد بود.»

جناب میرصادقی در ادامه اضافه کرده: «من قبل از انقلاب درباره نسل اول نویسنده ها نوشته ام که هست نفرد که یکی از آنها زن است؛ سیمین دانشور.

نسل دوم ۳۱ نفرند و تعداد زنان بیشتر شده. هنگامی که تحقیق روی زنان نسل سوم را آغاز کردم، متوجه شدم در این نسل تعداد زنان شگفت انگیز است. به همین دلیل این کتاب را به زنان تقدیم کردم.»

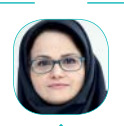


فولادی نسب هم در بخش هایی از این میزگرد با بررسی ادبیات زنانه گفته است: «در بسیاری از متونی که در کشور ما تولید می شود، این سوءتفاهم وجود دارد که هر اثری که خالقش زن بود، ذیل ادبیات زنانه دسته بندی می شود.

چطور می توانیم شعرهای پروین اعتصامی را ادبیات زنانه بدانیم؟ در مقابل، بله، آنچه فروغ فرخزاد در شعرهایش می سازد- که خیلی من را یاد ژرژ ساند می اندازد- ادبیات زنانه است. درباره بسیاری از شعرای مرد ما هم وضع به همین قرار است. این تعریف مغلو ط از ادبیات زنانه و مردانه ربط دادن کیفیت محتوایی اثر به جنسیت نویسنده، البته ریشه در پیشینه ادبی ما هم دارد، چه در ایران و در چه در خارج از ایران، پیشینه ادبی، پیشینه ای کم و بیش مردانه بوده و چون صدای غالب صدای مردانه بوده، تعریف ها این طوری شکسته و در هم رفته است.»

برخی ناله می کنند و عده ای فغان و بیداد سر می دهند، اما کسانی هستند که نگاه ها را به سمت مساله هدایت می کنند و از نوری که بر خودشان تابیده شده، بهره می گیرند تا بصران ها را بازگو کنند بی آن که سخن تند ی گفته، آشوبی به پا کرده، قضاوتی کرده یا حاشیه ساخته باشند. یکی از این نمونه اتفاقات پنجشنبه گذشته در تالار آفتاب شهر اهواز رخ داد؛ جایی که مهدی یراحی و گروهش کنسرت داشتند.

این خواننده پاپ و گروهش در کنسرت ۶ دی ماه، لباس کارگران مجتمع فولاد اهواز را تن کرده



آذر مهاجر هنر و ادبیات

بودند و همین بهانه ای شد برای این که یک بار دیگر و این بار به شکلی متفاوت تر مشکلات این کارگران و تلاش آنها برای احقاق حقوق و مطالباتشان را یادآوری شود. بعید است ایده پوشیدن لباس کارگران مجتمع فولاد اهواز به مذاق کسی خوش نیاید حتی آنها که در کمین عیب و ایرادها نشسته اند و منتظرند بهانه ای برای تحقطنه پیدا کنند. این اقدام حتی اگر شعاری باشد که نیست یا اگر به نتیجه سریع الوقوعی منجر نشود اما در عوض نوعی انتقاد درون سیستمی موثر است که نه زمینه را برای سوء برداشت ها فراهم می کند و نه تبعات نامطلوب به دنبال دارد.

ادامه در صفحه ۱۰

وزیر آموزش و پرورش بعد از موافقت رهبری و در نامه های سه گانه به وزارت ارشاد، صنعت و سازمان صدا و سیما به دنبال تنظیم وضعیت ناشران و موسسات کمک آموزشی است

## کمک درسی ها در گوشه رینگ

توییت به نامه ای باز می گردد که بطحایی خطاب به وزیر صنعت، معدن و تجارت نوشته است. همان طو که التفات دارید و ما هم در جام جم بارها به آن پرداخته ایم، دولت برای آن که قدری از مشکلات و هزینه های ناشران و دست اندرکاران نشر کتاب را کم کند، برای واردات کاغذ به آنها ارزهای با قیمت دولتی تحویل می دهد. این کار موجب می شود قیمت تمام شده کاغذ و ارداتی کمتر شود. حالا بطحایی شمشیر را از رو بسته و خطاب به وزیر صنعت نوشته چه معنی دارد که شما به ناشران کمک آموزشی ارز دولتی بدهید. در ادامه هم پیشنهاد کرده به جای این کار بدون توجه، آن را صرف دیگر حوزه هایی کنید که به آن نیاز دارند. از نظر وزارت آموزش و پرورش تخصیص ارز دولتی و حمایتی برای کاغذ کتب کمک درسی هیچ توجیهی ندارد و ارز مربوطه، صرف تامین سایر اقلام شود.

احتمالا در جریان جو رسانه ای درباره کتاب های کمک و کمک آموزشی هستیید که در چند وقت اخیر در رسانه ها راه افتاده بود. روز گذشته سید احمد بطحایی، وزیر آموزش و پرورش با یک توییت دوباره تنور این موضوع را گرم کرد. الحق و الانصاف که توییت ۲۸۰ کاراکتری آقای وزیر اطلاعات ذی قیمتی هم داشت. جناب بطحایی اعلام کرده بود که برای کاهش تب اضطراب دانش آموزان (شما بخوانید در راستای در افتادن با چرخه موسسات کمک و کمک آموزشی) چند وقت قبل نامه ای به رهبر معظم انقلاب نوشته و در آن نامه از ایشان درخواست کرده که فکری برای تبلیغات این موسسات و ناشران شود.

شخم زده و حتی آمارهای سالانه ۹۵ و ۹۶ هم استخراج شد. نتیجه روشن بود.

ستون مربوط به کتاب های کمک آموزشی و کمک درسی سر به فلک کشیده و از سایر گونه های کتاب ها جلو زده بود.

#### پاشیدن ارز ممنوع!

بین توییت های وزیر آموزش و پرورش، مهم ترین



محمدصادق علیزاده فرهنگ هنر

حسب توییت آقای وزیر، ظاهرا رهبری هم به این درخواست توجه کافی را مبدول داشته و دستوراتی برای اجرای این خواسته وزیر آموزش و پرورش به مراکز مرتبط داده اند. آقای وزیر این را هم اعلام کرده که پیرو این همراهی، به وزرای ارشاد و صنعت و رئیس سازمان صدا و سیما هم نامه نوشته و خواستار توجه به نظرات وزارتخانه در امور مربوط به موسسات و ناشران کمک آموزشی شده است. رشته توییت خواندنی جناب بطحایی را در همین صفحه بخوانید. شاید مدیر انتشارات گاج تصویرش را هم نمی کرد حرف هایی که در دیدار با بعضی مراجع می زند و بحث هایی که درباره تکلیف مشق شب و کتاب های کمک درسی بین شان رد و بدل می شود این قدر حاشیه ساز شود.

مصاحبه بعدی یکی از رسانه ها با آقای مدیر هم به حاشیه ها دامن زد. در پی این صحبت ها بیست و پنجم آذرماه هم همکارمان آذر مهاجر توی یکی از همین صفحات فرهنگی جام جم یک گزارش مسسوط رفت از این قضیه.

راستش را بخواهید ما برای تکمیل گزارش سراغ هر دو ناشری که در دیدار با مراجع قم حضور داشت رفیقم ولی آقایان مدیر ترجیح داد حرف نزنند و درخواست ما را برای گفت و گو پس زد. مهاجر هم بعد از این اتفاق رفت سراغ یکی از ادعاهایی که آقای مدیر در تنها مصاحبه خودش با رسانه ها اعلام کرده بود. این که کتاب های کمک آموزشی صرفا در همراه حجم زیادی از بازار را اشغال می کند و در سایر ایام سال عدد بالایی ندارد. آمار کتاب های کمک درسی و کمک آموزشی

### توییت نوشت



برای #اضطراب زدایی از کودکان و بازگرداندن شادی و #نشاط به مدارس: ۱- چندی پیش نامه ای را به محضر رهبری معظم انقلاب درخصوص تبلیغات پرتعداد و ناسالم برخی موسسات در رسانه ها نوشتیم که مورد لطف و نظر مساعد ایشان قرار گرفت و دستورات موثری در این خصوص صادر نمودند.

ناشران کمک آموزشی کرده. حالا هم انکار که وزیر آموزش و پرورش دست گذاشته روی گلوگاه هایی که می توانند تنفس این ناشران و موسسات را کنند کنند. در ادامه توییت های جنجالی وزیر را هم تفسیر می کنیم.

### آستیکمات و یراحی

#### و مجتمع فولاد اهواز

بعد از اتفاقات و حواشی پرسر و صدای چند وقت اخیر و جوی که درباره تبلیغات موسسات کمک و وزیر آموزش و پرورش داد، این موضوع را وارد فرایند تازه ای کرده و بازار اظهارنظرها را درباره اش داغ. همین هم کافی بود تا محمدصادق علیزاده که سرش برای چنین سؤزه هایی درد می کند پی ماجرا را بگیرد و گزارش صفحه ۹ امروز را بنویسد.

بروید سراغ این گزارش و همین بغل کنار همین ستون بخوانید تا متوجه شوید جناب بطحایی، وزیر آموزش و پرورش چه خوابی برای موسسات کمک و ناشران وابسته به آنها دیده است. خوابی که احتمالا در آینده نزدیک تعبیر شده و بدون حاشیه و سر و صدا و اعتراض هم از طرف این دسته از موسسات و ناشران نخواهد بود.

در همین گزارشی که در بند قبل صحبتش را کردیم اشاره ای هم شده به گزارش مفصلی که حدود ده روز قبل آذر مهاجر درباره وضعیت نشر و سهم ناشران کمک آموزشی از آن نوشته بود. الغرض که مهاجر امروز هم با یک گزارش دیگر هممان صفحات فرهنگی شده. مهاجر لابه لای جست و جویی که برای پیدا کرده سؤزه داشت به عکس جالبی برخورد که مهدی یراحی و گروه همراهش در اجرای کنسرت در اهواز از خودشان منتشر کرده بودند.

گروه یراحی در همدردی با کارگران مجتمع فولاد اهواز لباس این هموطنان زحمتکش را پوشیده و روی سن رفته بودند تا با به نوعی

وضعیت نامناسب معیشتی این قشر را هم به مخاطبان و دوستداران شان یادآوری کنند. همین هم شد که مهاجر شماره یراحی را گرفت تا با او درباره این کار ارزشمند صحبت کند. جالب است بدانید یراحی درست پای پله های هواپیما بود تا به تهران برگردد و در شرایط سوار شدن و تیک آف و قبل از این که از دسترش خارج شود، جواب ما را داد.

گزارش و گفت و گو با یراحی را از همین صفحه شروع کنید و بقیه را هم در صفحه ۱۰ بخوانید.

این روزها فصل مرده ارکان سینماها محسوب می شود و بعضضا

فیلم هایی روی پرده می رود که حق شان چندان در رسانه ها ادا نمی شود. البته این وضع خیلی هم غیرطبیعی نیست.

شمارش معکوس برای برگزاری جشنواره فجر شروع شده و همه منتظر مارا تن سینمایی کشور هستند. با این اوصاف، بچه های صفحه سینما از این سالن های سینما غافل نشده اند. ساز قنبری، سراغ دو منتقد سینما رفته و درباره فیلم سینمایی «آستیکمات» با آنها به گفت و گو نشست.

مشروح گفت و گو و گزارش قنبری را هم می توانید مثل غالب اوقات در صفحه ۱۱ بخوانید که معمولا دربست در اختیار بچه های سینماست.



درباره تبلیغات موسسات کمک و وزیر آموزش و پرورش داد، این موضوع را وارد فرایند تازه ای کرده و بازار اظهارنظرها را درباره اش داغ.

همین هم کافی بود تا محمدصادق علیزاده که سرش برای چنین سؤزه هایی درد می کند پی ماجرا را بگیرد و گزارش صفحه ۹ امروز را بنویسد.

بروید سراغ این گزارش و همین بغل کنار همین ستون بخوانید تا متوجه شوید جناب بطحایی، وزیر آموزش و پرورش چه خوابی برای موسسات کمک و ناشران وابسته به آنها دیده است.

خوابی که احتمالا در آینده نزدیک تعبیر شده و بدون حاشیه و سر و صدا و اعتراض هم از طرف این دسته از موسسات و ناشران نخواهد بود.

در همین گزارشی که در بند قبل صحبتش را کردیم اشاره ای هم شده به گزارش مفصلی که حدود ده روز قبل آذر مهاجر درباره وضعیت نشر و سهم ناشران کمک آموزشی از آن نوشته بود.

الغرض که مهاجر امروز هم با یک گزارش دیگر هممان صفحات فرهنگی شده. مهاجر لابه لای جست و جویی که برای پیدا کرده سؤزه داشت به عکس جالبی برخورد که مهدی یراحی و گروه همراهش در اجرای کنسرت در اهواز از خودشان منتشر کرده بودند.

گروه یراحی در همدردی با کارگران مجتمع فولاد اهواز لباس این هموطنان زحمتکش را پوشیده و روی سن رفته بودند تا با به نوعی

وضعیت نامناسب معیشتی این قشر را هم به مخاطبان و دوستداران شان یادآوری کنند.

همین هم شد که مهاجر شماره یراحی را گرفت تا با او درباره این کار ارزشمند صحبت کند. جالب است بدانید یراحی درست پای پله های هواپیما بود تا به تهران برگردد و در شرایط سوار شدن و تیک آف و قبل از این که از دسترش خارج شود، جواب ما را داد.

گزارش و گفت و گو با یراحی را از همین صفحه شروع کنید و بقیه را هم در صفحه ۱۰ بخوانید.

این روزها فصل مرده ارکان سینماها محسوب می شود و بعضضا

فیلم هایی روی پرده می رود که حق شان چندان در رسانه ها ادا نمی شود. البته این وضع خیلی هم غیرطبیعی نیست.

شمارش معکوس برای برگزاری جشنواره فجر شروع شده و همه منتظر مارا تن سینمایی کشور هستند.

با این اوصاف، بچه های صفحه سینما از این سالن های سینما غافل نشده اند. ساز قنبری، سراغ دو منتقد سینما رفته و درباره فیلم سینمایی «آستیکمات» با آنها به گفت و گو نشست.

مشروح گفت و گو و گزارش قنبری را هم می توانید مثل غالب اوقات در صفحه ۱۱ بخوانید که معمولا دربست در اختیار بچه های سینماست.

حواشی پرسر و صدای چند وقت اخیر و جوی که درباره تبلیغات موسسات کمک و وزیر آموزش و پرورش داد، این موضوع را وارد فرایند تازه ای کرده و بازار اظهارنظرها را درباره اش داغ.

همین هم کافی بود تا محمدصادق علیزاده که سرش برای چنین سؤزه هایی درد می کند پی ماجرا را بگیرد و گزارش صفحه ۹ امروز را بنویسد.

بروید سراغ این گزارش و همین بغل کنار همین ستون بخوانید تا متوجه شوید جناب بطحایی، وزیر آموزش و پرورش چه خوابی برای موسسات کمک و ناشران وابسته به آنها دیده است.

خوابی که احتمالا در آینده نزدیک تعبیر شده و بدون حاشیه و سر و صدا و اعتراض هم از طرف این دسته از موسسات و ناشران نخواهد بود.

در همین گزارشی که در بند قبل صحبتش را کردیم اشاره ای هم شده به گزارش مفصلی که حدود ده روز قبل آذر مهاجر درباره وضعیت نشر و سهم ناشران کمک آموزشی از آن نوشته بود.

الغرض که مهاجر امروز هم با یک گزارش دیگر هممان صفحات فرهنگی شده. مهاجر لابه لای جست و جویی که برای پیدا کرده سؤزه داشت به عکس جالبی برخورد که مهدی یراحی و گروه همراهش در اجرای کنسرت در اهواز از خودشان منتشر کرده بودند.

گروه یراحی در همدردی با کارگران مجتمع فولاد اهواز لباس این هموطنان زحمتکش را پوشیده و روی سن رفته بودند تا با به نوعی

وضعیت نامناسب معیشتی این قشر را هم به مخاطبان و دوستداران شان یادآوری کنند.

همین هم شد که مهاجر شماره یراحی را گرفت تا با او درباره این کار ارزشمند صحبت کند. جالب است بدانید یراحی درست پای پله های هواپیما بود تا به تهران برگردد و در شرایط سوار شدن و تیک آف و قبل از این که از دسترش خارج شود، جواب ما را داد.

گزارش و گفت و گو با یراحی را از همین صفحه شروع کنید و بقیه را هم در صفحه ۱۰ بخوانید.

این روزها فصل مرده ارکان سینماها محسوب می شود و بعضضا

فیلم هایی روی پرده می رود که حق شان چندان در رسانه ها ادا نمی شود. البته این وضع خیلی هم غیرطبیعی نیست.

شمارش معکوس برای برگزاری جشنواره فجر شروع شده و همه منتظر مارا تن سینمایی کشور هستند.

با این اوصاف، بچه های صفحه سینما از این سالن های سینما غافل نشده اند. ساز قنبری، سراغ دو منتقد سینما رفته و درباره فیلم سینمایی «آستیکمات» با آنها به گفت و گو نشست.

مشروح گفت و گو و گزارش قنبری را هم می توانید مثل غالب اوقات در صفحه ۱۱ بخوانید که معمولا دربست در اختیار بچه های سینماست.

حواشی پرسر و صدای چند وقت اخیر و جوی که درباره تبلیغات موسسات کمک و وزیر آموزش و پرورش داد، این موضوع را وارد فرایند تازه ای کرده و بازار اظهارنظرها را درباره اش داغ.

همین هم کافی بود تا محمدصادق علیزاده که سرش برای چنین سؤزه هایی درد می کند پی ماجرا را بگیرد و گزارش صفحه ۹ امروز را بنویسد.

بروید سراغ این گزارش و همین بغل کنار همین ستون بخوانید تا متوجه شوید جناب بطحایی، وزیر آموزش و پرورش چه خوابی برای موسسات کمک و ناشران وابسته به آنها دیده است.

خوابی که احتمالا در آینده نزدیک تعبیر شده و بدون حاشیه و سر و صدا و اعتراض هم از طرف این دسته از موسسات و ناشران نخواهد بود.

در همین گزارشی که در بند قبل صحبتش را کردیم اشاره ای هم شده به گزارش مفصلی که حدود ده روز قبل آذر مهاجر درباره وضعیت نشر و سهم ناشران کمک آموزشی از آن نوشته بود.

الغرض که مهاجر امروز هم با یک گزارش دیگر هممان صفحات فرهنگی شده. مهاجر لابه لای جست و جویی که برای پیدا کرده سؤزه داشت به عکس جالبی برخورد که مهدی یراحی و گروه همراهش در اجرای کنسرت در اهواز از خودشان منتشر کرده بودند.

گروه یراحی در همدردی با کارگران مجتمع فولاد اهواز لباس این هموطنان زحمتکش را پوشیده و روی سن رفته بودند تا با به نوعی

وضعیت نامناسب معیشتی این قشر را هم به مخاطبان و دوستداران شان یادآوری کنند.

همین هم شد که مهاجر شماره یراحی را گرفت تا با او درباره این کار ارزشمند صحبت کند. جالب است بدانید یراحی درست پای پله های هواپیما بود تا به تهران برگردد و در شرایط سوار شدن و تیک آف و قبل از این که از دسترش خارج شود، جواب ما را داد.

گزارش و گفت و گو با یراحی را از همین صفحه شروع کنید و بقیه را هم در صفحه ۱۰ بخوانید.

این روزها فصل مرده ارکان سینماها محسوب می شود و بعضضا

فیلم هایی روی پرده می رود که حق شان چندان در رسانه ها ادا نمی شود. البته این وضع خیلی هم غیرطبیعی نیست.

شمارش معکوس برای برگزاری جشنواره فجر شروع شده و همه منتظر مارا تن سینمایی کشور هستند.

با این اوصاف، بچه های صفحه سینما از این سالن های سینما غافل نشده اند. ساز قنبری، سراغ دو منتقد سینما رفته و درباره فیلم سینمایی «آستیکمات» با آنها به گفت و گو نشست.

مشروح گفت و گو و گزارش قنبری را هم می توانید مثل غالب اوقات در صفحه ۱۱ بخوانید که معمولا دربست در اختیار بچه های سینماست.

حواشی پرسر و صدای چند وقت اخیر و جوی که درباره تبلیغات موسسات کمک و وزیر آموزش و پرورش داد، این موضوع را وارد فرایند تازه ای کرده و بازار اظهارنظرها را درباره اش داغ.

همین هم کافی بود تا محمدصادق علیزاده که سرش برای چنین سؤزه هایی درد می کند پی ماجرا را بگیرد و گزارش صفحه ۹ امروز را بنویسد.

بروید سراغ این گزارش و همین بغل کنار همین ستون بخوانید تا متوجه شوید جناب بطحایی، وزیر آموزش و پرورش چه خوابی برای موسسات کمک و ناشران وابسته به آنها دیده است.

خوابی که احتمالا در آینده نزدیک تعبیر شده و بدون حاشیه و سر و صدا و اعتراض هم از طرف این دسته از موسسات و ناشران نخواهد بود.

در همین گزارشی که در بند قبل صحبتش را کردیم اشاره ای هم شده به گزارش مفصلی که حدود ده روز قبل آذر مهاجر درباره وضعیت نشر و سهم ناشران کمک آموزشی از آن نوشته بود.

الغرض که مهاجر امروز هم با یک گزارش دیگر هممان صفحات فرهنگی شده. مهاجر لابه لای جست و جویی که برای پیدا کرده سؤزه داشت به عکس جالبی برخورد که مهدی یراحی و گروه همراهش در اجرای کنسرت در اهواز از خودشان منتشر کرده بودند.

گروه یراحی در همدردی با کارگران مجتمع فولاد اهواز لباس این هموطنان زحمتکش را پوشیده و روی سن رفته بودند تا با به نوعی